



چگونه توانستیم تربیت دینی را در دانش آموزان کلاس تقویت نماییم ؟

ثریا کرمی بلداجی

دانش آموخته رشته معارف اسلامی (علوم قرآنی)

اداره آموزش و پرورش شهرستان لردگان ، آموزشگاه متوسطه اول روستای برآفتاب

Soraya.karami0521@gmail.com

09332550521

چکیده

تربیت دینی عبارت است از شکوفایی فطرت‌های الهی در رفتار، گفتار و اخلاق انسان. زمانی ما نسلی جامع تربیت خواهیم کرد که هم استعدادهای عمومی و هم فطرت‌های الهی او را شکوفا سازیم. وظیفه والدین و معلمان در تربیت دینی افزایش آگاهی‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌ها است. صبر، استمرار و روش‌مندی فرمول صحیح در فرآیند تربیت است.

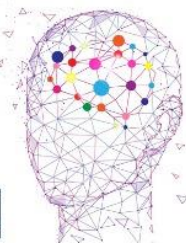
تربیت دینی یعنی شناخت آموزه‌های دین، تبدیل این شناخت‌ها به باورهای قلبی و به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی. در نتیجه، افراد در فرایند تعلیم و تربیت دینی، به گونه‌ای تربیت می‌شوند که در گرایش‌هایشان نسبت به زندگی، اعمال و تصمیم‌هایشان و در برخورد با تمام امور، همواره حاکمیت ارزش‌های الهی را احساس کنند. در چنین نظامی علاوه بر ایجاد نظم ذهنی، دانش‌آموزان به گونه‌ای تربیت می‌شوند که دانش را صرفاً برای ارضای کنجکاوی‌های فکری یا منافع دنیوی کسب نمی‌کنند، بلکه منطقی و متقی بار می‌آیند و فراهم آوردن موجبات رفاه مادی، معنوی و اخلاقی خانواده، ملت، خود و دیگران را وجهه‌ی همت خویش قرار می‌دهند. تربیت دینی دانش آموزان می‌تواند از طریق دروس دینی و مذهبی در مدارس، مراسم و رویدادهای مذهبی، و فعالیت‌های خیریه و اجتماعی باشد. این تربیت به دانش آموزان کمک می‌کند تا ارزش‌هایی مانند ایمان، اخلاق، تواضع، بخشندگی، احترام به دیگران و تعلق به جامعه را درک و تقویت کنند.

هدف اصلی تربیت دینی دانش آموزان، ارتقای ارزش‌های دینی در آن‌هاست. این تربیت می‌تواند به دانش آموزان کمک کند تا در مواجهه با چالش‌های زندگی، تصمیم‌گیری‌های صحیح و مبنی بر اصول دینی بگیرند و به عنوان شهروندانی مسئول و متعهد به جامعه فعالیت کنند.

با توجه به اهمیت تربیت دینی دانش آموزان، نیاز به برنامه‌ها و روش‌های مناسب برای اجرای این تربیت احساس می‌شود. این برنامه‌ها باید بر اساس اصول دینی و با توجه به نیازهای دانش آموزان طراحی شده و از روش‌های فعال و تعاملی استفاده کنند. همچنین، این برنامه‌ها باید به دانش آموزان کمک کنند تا از ارزش‌ها و اصول دینی خود در زندگی روزمره استفاده کنند و به عنوان مدل‌هایی برای دیگران عمل کنند.

اینجانب در این اقدام پژوهی تصمیم گرفتم با اتخاذ شیوه‌های کارآمد و مناسب تربیت دینی را در دانش آموزانم تقویت نمایم.

کلمات کلیدی: رفتار ، تربیت دینی ، دانش آموزان



مقدمه

دین، نوعی زندگی است و تربیت دینی، فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات مهیا می سازد. این نحوه زندگی، بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده ای شکل می گیرد که از طریق دین و عقاید و شریعت به آدمی عرضه شده است. موضوع تربیت دینی دانش آموزان از جمله موضوعات مهم و حائز اهمیت در حوزه آموزش و پرورش است. با توجه به تأثیر گذاری عمیقی که دین و اعتقادات در زندگی افراد دارند، تربیت دینی به عنوان یکی از ابعاد حیاتی تربیت شخصیت و هویت فردی دانش آموزان به خصوص در بستر آموزش و پرورش راهکارهایی را ارائه می دهد. (فلاحی و جعفری، ۱۳۸۹)

هدف از تربیت دینی، حضور قرآن و سیره معصومین(ع) در متن زندگی دانش آموزان است. ما با تعلیم مسائل دینی و با روش های مطلوب و خاص می توانیم در دانش آموزان درک و شعور دینی ایجاد کنیم. اگر تلاش همه ما بر این باشد که از طریق روح حاکم بر تمامی برنامه های رسمی و غیررسمی (فوق برنامه و مکمل) تربیت، تزکیه و تأدیب صورت گیرد و مفاهیم نظری به صورت «رفتار دینی» درآید، می توانیم ادعا کنیم که تربیت دینی تا حد زیادی تحقق پیدا کرده است. آنچه با توجه به مقتضیات زمان در تربیت دینی باید مدنظر قرار گیرد، اصلاحات در روش های تربیت دینی است. مدیریت مراکز آموزش و پرورش ما با توجه به تفاوت های فردی در دانش آموزان، اصل زیبایی شناسی و ابزار هنر را بویژه در غنی سازی، اوقات فراغت و فوق برنامه باید لحاظ کنند وحدت نداشتن در بینش و منش و همچنین وحدت نداشتن در هدف و خط مشی، از عوامل مهم آسیب شناسی تربیت دینی در جامعه ما به شمار می آید. فضا و تربیت دینی بین مراکز متولی تربیت دینی مثل رسانه ها، نهادهای فرهنگی و هنری در جامعه موجب تضاد تربیت و سرگردانی نسل جوان ما در جامعه شده است. اگر یکپارچگی به مفهوم واقعی کلمه در ساختار و تشکیلات، با رویکرد تلفیق فعالیت های آموزش و پرورش شکل منسجم خود را پیدا نکند، قطعاً آسیب پذیری نسل جوان ما در آینده بیشتر از گذشته خواهد بود. در همین مسیر باید به جاذبه های دینی با توجه به استعداد جامعه و جایگاه دین در عرصه بین المللی و بحث جهانی شدن توجهی دقیق و زیرکانه داشت. (موسوی، ۱۳۹۱)

مسئله تربیت دینی به منظور آشنا ساختن افراد با جریان کسب معرفت ایمانی و عقاید دینی است و همچنین پذیرش سنت ها و اعمال دینی، توجه به ملاحظات اخلاقی و رفتاری مورد تأیید دین و به عبارت دیگر ایجاد یا پرورش ایمان در افراد را در برمی گیرد. (محمدی و حقیقی، ۱۳۹۵)

اگر بحث تربیت دینی بر این مبنا باشد که دین به مفهوم جوهر زندگی تلقی شود، آنگاه لزوم آگاهی نسبت به اهمیت، ضرورت، فواید و نسبت دین با دیگر حوزه های معرفتی مشخص خواهد شد. در دنیای کنونی توسعه و ایجاد مدارس به مفهوم امروزی، گسترش سریع فناوری و ارتباطات، صنعتی شدن جوامع و نیازهای متنوع عصر انفجار دانش، دایره تأثیرگذاری عوامل مختلف را بر افکار و اندیشه های دانش آموزان گسترده تر از گذشته کرده است. بنابراین سهم خانواده ها و حتی معلمان در تکوین شخصیت دانش آموزان، روزه روز کمرنگ تر می شود. عوامل محیطی به ویژه رسانه ها نقش عمده ای را برعهده دارند و به صورت شبانه روزی در تغییر اندیشه ها و افکار نقش تأثیرگذار و مهم خود را ایفا می کنند. آنچه مسلم است این که هنوز مدارس ما به عنوان اصلی ترین کانون های تربیتی مورد توجه و برنامه ریزی دقیق و صریح قرار نگرفته اند. اگر نظام آموزش و پرورش ما بخواهد از مسیر آموزش های صرف به سمت تربیت دینی، اخلاقی و اجتماعی حرکت کند لازم است بسیاری از اهداف و روش ها را تغییر دهد. در محیط های آموزشی باید به دانش آموز به تناسب علاقه و استعدادش آموزش داده شود. بحث محوریت کتاب حذف شود و به جای تکیه بر محفوظات، روش کسب اطلاعات و یادگیری خلاق محور کار باشد. ساختار و تشکیلات به گونه ای طراحی شود که علاوه بر متولیان امور پرورشی در مدارس بحث تلفیق آموزش و پرورش و مشارکت همه عوامل دست اندرکار در تربیت دینی به دست فراموشی سپرده نشود. در غیر این صورت اگر شرایط مذکور در مدارس ما حاکم نباشد، به هدف مطلوب در تربیت دینی دانش آموزان دست نخواهیم یافت. (فرجی، ۱۳۸۶)



ضرورت اصلی تربیت دینی دانش آموزان به وجود آوردن یک محیط آموزشی و پرورشی است که به صورت یکپارچه و هماهنگ، بر طبق اصول و مقررات دینی فراهم شود. تربیت دینی، کمک می کند تا دانش آموزان با ارزش ها، اخلاق و نظام ارزشی دینی آشنا شوند و این آموزش ها در زندگی روزمره شان به رهبری و هدایت اخلاقی کمک می کند.

هدف اصلی تربیت دینی دانش آموزان، ارتقای سطح دینداری و تقویت اعتقادات و ارزش های دینی آن ها است. با توجه به اینکه دین و مذهب، یکی از ابعاد مهم زندگی انسان هاست، تربیت دینی دانش آموزان به منظور ایجاد هماهنگی میان آموزش و پرورش و ارزش های دینی جامعه، اهمیت ویژه ای دارد.

اهداف تربیت دینی دانش آموزان نیز بسیار چندگانه است، از جمله:

- شناسایی و تقویت اعتقادات دینی: تربیت دینی کمک می کند تا دانش آموزان اعتقادات دینی خود را درک کرده و آنها را تقویت نمایند.
- ترسیم مسیری سازنده در زندگی: تربیت دینی با ارائه راهنمایی ها و اصول اخلاقی، به دانش آموزان کمک می کند تا مسیری سازنده در زندگی خود پیدا کنند و در تصمیم گیری هایشان به اصول دینی عمل کنند.
- تقویت ارتباط با خداوند: تربیت دینی با یادآوری و ارتقاء رابطه دانش آموزان با خداوند، به افزایش ایمان و تقوای آنها کمک می کند.

با توجه به اهمیت و پیچیدگی موضوع تربیت دینی دانش آموزان، مطرح شدن سوالات گوناگون در این زمینه لازم است. برخی از سوالات پژوهش در این حوزه عبارتند از:

- چگونه تأثیر تربیت دینی بر تعالی آموزشی و رشد شخصیت دانش آموزان؟

- چه نقشی برای مدارس و خانواده در تربیت

دینی دانش آموزان وجود دارد؟

- چگونه می توان بهترین روش ها و استراتژی ها برای تربیت دینی دانش آموزان را شناسایی کرد و به کار برد؟

مبانی نظری مرتبط با تربیت دینی دانش آموزان شامل اصول و ضوابط دینی مربوط به تربیت، نظریات روان شناسی ارتباطی با تربیت دینی و نظریات روانشناسی تربیتی است. این مبانی نظری به ما در فهم بهتر تأثیر تربیت دینی بر رشد و تحول دانش آموزان کمک می کنند.

پیشینه پژوهش در حوزه تربیت دینی نیز به وسعت گسترده ای امتداد دارد. برخی از پژوهش ها بر روی دلایل و عوامل مؤثر در موفقیت تربیت دینی دانش آموزان تمرکز دارند، در حالی که دیگران بر روی تأثیر آموزش دینی در ارتقاء اخلاق و ارزش های آنها تمرکز دارند. همچنین، برخی پژوهش ها به بررسی نقش خانواده و مدارس در تربیت دینی دانش آموزان می پردازند.

توصیف وضع موجود

اینجانب ثریا کرمی بلداجی مدت ۱۷ سال است که در آموزش و پرورش در حال خدمت هستم و هم اکنون در سالتحصیلی حاضر به عنوان دبیر دروس عربی قرآن و پیام های آسمان پایه های هفتم، هشتم و نهم متوسطه اول در آموزشگاه آسیه برآفتاب واقع در استان چهارمحال و بختیاری شهرستان لردگان روستای



بر آفتاب مشغول به تدریس هستیم. دانش آموزان این آموزشگاه ، با وضعیت تحصیلی خوب به تحصیل مشغولند. اما متأسفانه مشکلات اخلاقی و مذهبی در تعدادی از آنان دیده می شود و من همه روز از دیدن عدم توجه دقیق به مسائل دینی در دانش آموزان ، مشکلات اخلاقی ایشان، عدم رعایت مسائل مذهبی ، عدم استقبال از نماز جماعت ، بی توجهی به مراسم مذهبی، ... رنج می بردم و به واسطه سِمَتَم در این آموزشگاه که فضای بازی ، برای گفتگو ایجاد می نماید، زمانی که با دانش آموزان به بحث می پرداختم مشاهده می کردم که همه آنان بالاتفاق با قضیه دین و ضرورت رعایت مسائل شرعی موافقت اما در عمل مشاهده می کردم رفتارشان خلاف گفتارشان را نشان می دهد.

شواهد (۱)

گردآوری اطلاعات اغلب از طریق چهار روش می شود. این چهار روش عبارتند از: مصاحبه، مشاهده ، پرسش نامه و اسناد و ارقام . هر یک از این چهار روش کاربرد ها و ویژگی هایی دارند که لازم است اقدام پژوهان پیش از آغاز و اقدام به پژوهش با این روش ها آشنایی کافی را کسب کنند. این که چه روشی یا فنونی در اقدام پژوهی کاربرد دارد بستگی به موضوع و هدف آن پژوهش دارد. همه اطلاعاتی که جمع آوری می شود شواهد لازم برای اثبات یا رد چیزی نیستند. به بیان دیگر داده ها (اطلاعات) مترادف با شواهد نیستند. شواهد داده هایی هستند که بدان وسیله می توانیم درباره ی تغییرات چیزی یا رخدادی دآوری کنیم پس برای اثبات یا رد چیزی باید شواهد قابل قبول داشته باشیم.

بنا بر این اینجانب ثریا کرمی بلداجی در این اقدام پژوهی از روش های مصاحبه با دانش آموزان و دیگر همکاران و همچنین مشاهده رفتار دانش آموزان بهره جستیم و به جزئیات زیر رسیدم:

۱. دانش آموزان آموزه های دینی را رعایت نمی کردند و پروایی از این مسئله نداشتند.
۲. استقبال از نماز جماعت بسیار کم و ناچیز بود.
۳. دروغگویی برای توجیه کم کاری و نمرات پایین و... وجود داشت و غیبت بین دانش آموزان به شدت رایج بود.
۴. در موقع صحبت کردن با یکدیگر از شوخی های نابجا استفاده می کردند.
۵. دانش آموزان علاقه ای به درس های غربی قرآن و پیام های آسمان از خود نشان نمی دادند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات (یافتن راه حل) :

بدیهی است که شکوفایی یک رویکرد جدید در مدرسه ، مستلزم اندکی تمرین و بردباری است. اما از آن جایی که راهبردهای آموزشی اثر بخش بر یافته های علمی و تجربه های عملی و مکتب رفتارگرایی و شناختی متکی هستند، می توان از آن به عنوان رویکردی مناسب و اطمینان بخش در آموزش مفاهیم استفاده کرد (موسوی ، ۱۳۹۱) . چه بسا ، بسیاری از ما در مدرسه همیشه به دنبال راهی نو برای تغییر روش های خود هستیم. اما آیا هیچ وقت سعی کرده ایم این تغییر را در خودمان ایجاد کنیم و آن را در جهت بهبود وضعیت مدرسه استفاده کنیم؟ بعد از اینکه دلایل به وجود آورنده را تجزیه و تحلیل کردم، سعی کردم تا تعدادی از راه حل های مورد نظر را در کلاس درس اجرا کنم. البته همان طور که قبلاً اشاره کردم. بعضی از دلایل ذکر شده عادات اشتباهی بود که از دوران کودکی و از بطن خانواده به ایشان انتقال یافته بود. و من به سختی می توانستم آنها را تغییر دهم چرا که تفاوت های خانوادگی اثرهای پایدارتر و عمیق تری را بر رشد کودک و نوجوان می گذارد. تحقیق ها نشان می دهند، بسیاری از اختلال های رفتاری ، صرف نظر از وراثت، نتیجه نبود محبت و ارتباط صمیمی بین اعضای خانواده است. از سوی دیگر، شرایط خاص هر خانواده از جمله فشارهای ناشی از بیکاری، فقر، ضعف فرهنگی و مشکلات خانوادگی به طور مستقیم بر شکل گیری شخصیت دانش آموزان و دانش آموزان تاثیر می گذارد. البته من می توانستم مثل یک دوست خوب این تغییرات را در جهت درست سوق دهم تا از ایجاد



مشکلات بیشتر جلوگیری کنم. سعی کردم راه حل های خود را بیشتر حول محیط آموزشگاه و کلاس درس و تکیه بر آموزه های دینی و مذهبی قرار دهم تا نتایج بهتری را به دست آورده و کمتر به خطا بروم. البته در انتخاب راه حل باید از مدیر آموزشگاه و دیگر همکاران نیز کمک می گرفتم تا من را در اجرای صحیح راه حل ها یاری دهند. مدیر آموزشگاه در مورد تشویق ها و تنبیهات به موقع و به جا و همچنین کمک به برگزاری جلسات مکرر با والدین دانش آموزان در مورد رفع مسائلی که مربوط به محیط خانوادگی دانش آموزان بود به من قول مساعدت و همکاری دادند. حالا من می توانستم با صبر و حوصله بیشتر به انتخاب راه حل برای بقیه مشکلات بپردازم. راه حل های پیشنهادی خود را با دیگر همکاران در مدرسه و سرگروه های دروس در گروه های آموزشی منطقه در میان گذاشتم و در مورد آن با ایشان نظرخواهی کردم و خوشبختانه همگی نظر مساعد خود را اعلام کردند.

انتخاب راه حل و اعتبار بخشی

- شرکت کردن و طرح این موضوع در شورای دبیران و مشورت با همکاران .
- تهیه و ارائه ی پرسشنامه به دانش آموزان .
- مشورت با افراد متخصص در این زمینه .
- بررسی راهکارها ارائه شده و انتخاب بهترین راه .
- مطالعه کتب، مجلات، پایان نامه های مرتبط با موضوع و سرکشی به سایت های مختلف .
- مشاهده رفتار دانش آموزان .
- برگزاری جلسات هم اندیشی .

اجرای راه حل و نظارت

جان واتسون (۱۹۲۰) می گوید: "یک دوجین نوزاد سالم و شرایط خاصی که مورد نظر من است، به من بدهید تا آنها را بزرگ کنم. من تضمین می دهم که هر کدام را به طور اتفاقی انتخاب و برای تخصص خاصی مانند پزشکی، وکالت، هنرمندی، بازاریابی و حتی دزدی و گدایی، تربیت کنم با صرف نظر از استعداد، تمایل، توانایی، شغل دلخواه و آمادگی فردی آن فرد". این جملات به روشنی نشان می دهد که آن ها انسان را قابل تبدیل به هرآن چه آموزش گران بخواهند، می دانند. این خواسته، بدون هر گونه بستگی به خواسته فرد، از راه مدیریت محرک و پاسخ ها برای فرد قابل حصول است. انسان چون جعبه سیاهی است که معلم باید جریان آموزش را برای او طراحی و اجرا کند. پس مربی باید به مباحث و کاری که می خواهد انجام دهد تسلط کامل داشته باشد. (فلاحی، ۱۳۸۹)

۱-الگو قرار دادن رفتار های خودم و دانش آموزان خوب آموزشگاه:

در پرورش و شکوفایی استعداد های انسان ها، عوامل متعددی دخالت دارند، مانند والدین، مربیان و معلمان، برنامه های آموزشی و تربیتی و روش ها و الگوها، الگو و نمونه که در تعبیر تربیت دینی ما و در قرآن کریم از آن به نام اسوه یاد شده است تاثیر بسزایی در ساختار و شکل گیری شخصیت افراد و رشد و شکوفایی توانایی های بالقوه آنها دارد. همان گونه که هنرمند برای طرح و خلق اثر هنری به الگو و نمونه مشخصی نیاز دارد. انسان نیز برای شکل دادن به شخصیت خویش، به الگو احتیاج دارد تا ساختمان اخلاقی، فکری و شخصیتی خویش را مطابق آن بسازد. البته نیاز به اسوه و الگو همگانی است، ولی بین دانش آموزان این نیاز بیشتر و مهم تر است، چون آنها بیشتر از دیگران به الگوها می اندیشند و به کمال و ترقی بیشتر علاقه مندند. تعبیر قرآنی نیز تصریح بر این دارد که انسان برای کمال خویش باید سراغ "اسوه و نمونه های برتر" برود. در این دوره گرایش غالب دانش آموزان به صمیمیت، شجاعت، زیبایی، ایمان، سواد و دانش،



هنر و استقلال فردی است. لذا در هر کس این صفات را به صورت بارز و مشخص تر ببیند به او علاقه مندی نشان می دهند. این نکته را نیز باید یادآور شد که الگو نباید شخصیتی خیالی و توهمی باشد که نتوان به او رسید، بلکه الگوهای مناسب بسان قله های بلند و رفیع هستند که روح را برای صعود و اوج گیری فرا می خوانند و نیروهای آشکار و پنهان دانش آموزان را برای دست یابی به آن متمرکز می کنند. من نیز اولین قدم در اجرای طرح را ایجاد صمیمت و نزدیکی با دانش آموزانم و الگو قرار دادن رفتارهای خودم برای ایشان قرار دادم. من سعی کردم تا در رفتارهای خودم، صبوری، سعه صدر، غم خواری در تربیت ایشان، نرمی در سخن، پابندی به گفتار خویش، حسن خلق و رعایت ادب و احترام و ... را رعایت کنم و آنها را از این نکته مطمئن سازم که من به حرف هایی که می زنم کاملاً اعتقاد دارم. از طرفی با ایشان رابطه ای دوستانه و صمیمی ایجاد کردم. همیشه چند دقیقه ای از وقت کلاس و یا زنگ های تفریح را با آنها صحبت می کردم، خاطراتی از زمان تحصیل و کودکی و نوجوانی خودم تعریف کرده و یا با بیان یک داستان کوتاه اخلاقی برای ایشان انگیزه ابراز وجود ایجاد می کردم. به آنها کاملاً فهمانده بودم که من هم یکی مثل شما هستم و از نیازها و مشکلات شما کاملاً آگاهی دارم و قصدم فقط کمک به شماست تا در آینده نه چندان دور رفتارهای شما مایه سربلندی من، خودتان و خانواده هایتان باشد و بتوانید انسان های آگاهی برای فردا، باشید یکی دو نفر از دانش آموزان کلاس خودشان و آموزشگاه را مثال زدم که رفتارهای بسیار خوب و شایسته ای داشتند از دانش آموزان خواستم تا رفتارهای ایشان را برای خود الگو قرار دهند و از رفتارهای خوب آنها البته با بهره گیری از نیروی فکر و اندیشه خودشان در جهت تغییر رفتارهای خود، بهره بگیرند. البته چون دانش آموزان در این سن دارای حس حسادت قوی هستند و این امکان وجود داشت که این حس در آنها رخنه کند و علاوه بر آن، آن دانش آموز هم احساس برتری کاذبی را در خود ایجاد کند. این عمل را به صورت یک مسابقه در کلاس اجرا کردم و بعد از گروه بندی ایشان گفتم هر گروهی که بتواند در انجام کارهای خوب و رعایت ادب و انجام رفتارهای شایسته از بقیه گروهها پیشی بگیرد و تعداد امتیازهای مثبت خود را افزایش دهد، به عنوان گروه برتر انتخاب و معرفی خواهد شد و در نهایت مورد تشویق قرار خواهد گرفت.

۲- استفاده از آموزه های دینی و مراجعه به آیات، احادیث و روایات :

امام صادق (ع) فرموده اند: «من قرا القرآن و هو شباب مومن اختلط القرآن بلحم و دمه» آن وجود شریف به خوبی تبیین می فرماید: که اگر آموزه های دینی و قرآنی در جوانی در ذات و گوهر وجودی نوجوان قرار گیرد، آن گونه نهادینه و تثبیت می شود که در گوشت و خون جوان آمیخته می گردد، آمیختگی که به دنبال آن ثبات در دین و پایداری در ایمان را به دنبال دارد. بنابراین اگر ما حساسیت این مقطع سنی را درک کنیم، از این فرصت به عنوان یک فرصت طلایی در بهره گیری از آن همت ویژه ای را به کار خواهیم بست. تقریباً ۱۲ سال از زندگی یک فرد ایرانی در محیط مدرسه سپری می شود. یعنی با شاخص متوسط عمر یک ایرانی (۶۵ سال) یعنی ۱۸٪ عمر مفید. نگاهی کوتاه به فرایندهای آموزشی در موضوع آموزه های دینی در مدارس و شیوه های انتقال آن نشان می دهد که ما، در این مبحث کمترین توجه را به مدارس داشته ایم و اگر اقداماتی انجام داده ایم، کافی و پاسخگو و انسان ساز نبوده است متأسفانه مسئله ای که نمود آن کاملاً در کلاس من مشخص و چشمگیر بود عدم وجود اعتقادات دینی و تربیتی کافی در این سن بود. مسائل ارزشی مثل رعایت واجبات دینی خشکیده و به آن کم توجهی شده بود. وجود شبکه های ماهواره ای در بیشتر خانه ها حتی باعث فراموشی بسیاری از مناسبت ها شده بود. همیشه سعی می کردم در خواندن نماز پیش قدم باشم تا دانش آموزان به دیدن من و بقیه همکاران انگیزه ای برای خواندن نماز داشته باشند. باور کنید معنویت آن نمازخانه کوچک از یک مسجد هم بیشتر می شد وقتی دانش آموزان با علاقه برای شرکت در نماز حاضر می شدند.

۳- تهیه یک تابلوی کوچک :

برای کلاس های درس که آن را در کنار تخته کلاس نصب کردم و از دانش آموزان خواستم تا به ترتیب روزی یک نفر مسئولیت نوشتن یک حدیث یا آیه تربیتی را روی آن بر عهده بگیرد. و همیشه قبل از شروع درس با هم حدیث یا آیه را می خواندیم و به کسانی هم که آنها را حفظ می کردند امتیاز ویژه ای تعلق می گرفت. همین موضوع علاوه بر تاثیر مثبتی که بر اخلاق و رفتار ایشان داشت باعث شد ایشان به حفظ حدیث علاقه مند شوند و بیشتر آنها در مسابقات قرآن و حدیث در منطقه شرکت کردند و نتایج بسیار خوبی هم کسب کردند. در کنار این مسائل از مدیر آموزشگاه خواستم تا در صورت امکان بیشتر مراسمات مذهبی را در محیط مدرسه اجرا کند و خودم هم جهت اجرای مراسمات و کمک به ایشان در آماده کردن محیط و یا خرید وسایل پیش قدم شدم. مراسمات ماه های محرم و صفر، برگزاری اعیاد و عزاداری ها و ... در آموزشگاه ما برگزار می شد و تاثیر بسیار خوبی در اخلاق دانش آموزان داشت.



۴- تهیه کتابخانه کلاسی:

حضرت علی (ع) می فرماید: هر آن کس که با کتاب آرامش یابد، راحتی و آسایش از او سلب نمی گردد. بسیاری از دانشمندان و روانشناسان معتقدند که اساس و زیربنای شخصیت انسان در سالهای اول زندگی پایه گذاری می شود و آموخته های این دوران، تاثیر عمیقی بر آینده ی زندگی فرد دارد. بنابراین اگر مطلب خواندنی مفید و سازنده در اختیار دانش آموزان قرار گیرد، راه و رسم زندگی را خواهند آموخت و تحت تاثیر داستان ها و کتاب های آموزنده، به رشد و تعالی خواهند رسید و در آینده نیز برای حل مشکلات خود از کتاب کمک خواهند گرفت (قادری، ۱۳۹۴). حضرت علی (ع) می فرماید: «بهترین چیزی که دانش آموزان باید یاد بگیرند سلسله کارهایی است که به هنگام بزرگسالی به آن نیازمند خواهند بود». آدمی برای داشتن یک زندگی سعادت مند، نیازمند بینش و آگاهی است و آموخته های دوران کودکی و نوجوانی، مقدمه ای برای زندگی فرد است. دانش آموزان راه زندگی سعادت مندانه فردا را امروز باید بیاموزند و در این مسیر، کتابخوانی چون فرا راه آنهاست مشکل دیگر دانش آموزان این کلاس عدم دسترسی ایشان به منابع مطالعاتی مفید بود. بنابراین هیچ کدام از آنها اصلاً اهل مطالعه نبودند. یک روز بعد از ورود به کلاس ها جعبه ای را با خودم به کلاسها بردم و به دانش آموزان گفتم: این جعبه از این بعد کتابخانه کلاس شماست و خودم به عنوان اولین اهدا کننده چند کتاب داخل جعبه انداختم و به آنها گفتم شما هم می توانید هم اهدا کننده کتاب باشید و هم عضو این کتابخانه کوچک. هیاهویی در کلاس ایجاد شد و برق شادی در چشمان تک تک ایشان نمایان شد. بعد از یکی دو هفته، آن جعبه تبدیل به یک فضای زیبا در کلاس درس شده بود. دانش آموزان قسمتی از کلاس را به زیبایی تزئین کرده و بعد از یک طبقه بندی مناسب کتاب ها را داخل آن گذاشته بودند. من به آنها گفته بودم که هر وقت بخواهند می توانند کتاب ها را با خود ببرند. بنابراین آنها به راحتی کتاب ها را به این کتابخانه اهدا می کردند. یکی از دانش آموزان دفتری را تهیه کرده بود و به عنوان مسئول کتابخانه که با انتخاب دانش آموزان انجام شده بود، کتابها را به دانش آموزان می داد تا بعد از مطالعه آن را به کتابخانه برگردانند. من هم از این فرصت استفاده می کردم و کتابهای مفید دینی و اخلاقی را داخل کتابخانه جهت استفاده قرار می دادم. این کار یعنی تهیه کتابخانه از بهترین کارهای انجام شده بود چرا که خود به تنهایی نتایج مثبتی را به شرح زیر کسب کرد: عادت به فرهنگ مطالعه و استفاده از کتاب های مفید در اوقات فراغت به جای تماشای فیلم های غیر اخلاقی. حس رقابت مفید و سازنده در خواندن کتاب های بیشتر بین دانش آموزان ی کلاس. عادت به رعایت نظم و امانت داری بین دانش آموزان. استفاده از تجارب زندگی ائمه دین و بزرگان و الگو سازی های مثبت در زندگی. پر کردن فضاهای خالی روحی و جلوگیری از رفتارهای پرخطرهای پرخطرگرانه در کلاس درس.

۵- برگزاری جلسات مکرر با والدین دانش آموزان :

مسئله ارتباط دانش آموزان به خانواده، جنبه ی مهمی از موضوع رشد آنها محسوب می شود. گرایش به گروه هم سالان، چنین تصویری را به وجود می آورد که انتخاب بین ارتباط با «خانواده» یا «هم سالان» موضوعی تعارضی است. اما در واقع برای رشد متعادل روانی و اجتماعی، هر دو نوع ارتباط ضروری است. به این ترتیب، به جای تمرکز بر تعارض، باید کیفیت ارتباط با خانواده را مورد تحلیل قرار داد. خانواده به عنوان بونه ی احساس هویت مطرح است. هم گرایی و یکپارچگی شخص، که اریکسون آن را مهم ترین پیشرفت مهم کودکی و نوجوانی برشمرده است، به صورت عمده به تجربه های درون خانواده بستگی دارد (فرجی، ۱۳۸۶). مهمترین بخش پروژه صحبت با والدین دانش آموزان بود. البته بعد از چند جلسه که در روزهای اول به صورت تک نفری و بعد گروهی این جلسات را برگزار می کردم، متوجه شدم که والدین ایشان نیز بسیار علاقه مند به همکاری هستند و البته مسلماً یکی دو نفر هم بی انگیزه وجود داشت که کار مرا سخت می کرد اما باعث ناامیدی من نشد. یک سری از وظایف را روی کاغذ نوشتم و از والدین دانش آموزان خواستم تا این مسائل را در محیط خانه رعایت کنند و نتایج آن را طی جلسات بعد به من اطلاع دهند. مجموعه وظایفی را که من برای والدین تعیین کرده بودم عبارت بودند از:

- فرزندان خود را نسبت به خواندن قرآن و نماز در خانه تشویق کنید.
- در حضور دانش آموزان، از بحث و جدل با یکدیگر و بر زبان آوردن حرفهای زشت و ناروا پرهیز نمایید.
- دیدن برنامه های شبکه های ماهواره ای و تلویزیونی را که مناسب سن دانش آموزان نیست را کنترل کنید.



- دانش آموزان را در مهمانی ها و مکان هایی که مناسب سن ایشان نمی باشد همراه نبرید.
- روابط دوستانه ای با دانش آموزانی خود برقرار کنید تا مشکلاتشان را به راحتی با شما درمیان بگذارند.
- به شخصیت فرزندان به عنوان یک انسان بالغ احترام بگذارید و از تبعیض بین دانش آموزان جدا خودداری نمایید.
- ۶- تعیین یک سری قوانین تربیتی در کلاس های درس:
 باید قوانین را به روشنی و بدون ابهام بیان می کردم و فرصت کافی برای انجام خواسته هایم را به ایشان می دادم. در ضمن باید از بیان دستورات خشک و مستقیم خودداری کرده و سعی می کردم درخواست هایم را با ذکر دلیل همراه کنم چرا که مقررات خشک و بدون هدف و برنامه، دردسر آفرین است. ضمناً از دبیران کلاس ها خواستم تا با این موضوع همکاری لازم را داشته باشند در این مورد باید از سرزنش و تنبیه کمتر استفاده کرد و آنها را مورد بی مهری، تبعیض و بی اعتنائی قرار نمی دادم. پس باید خیلی با احتیاط عمل می کردم. بنابراین در وهله اول سعی کردم خودم را به یاد آورم و درک روشنی از نیازهای دانش آموزان داشته باشم. در این سن باید به دانش آموزان اجازه می دادم، در بسیاری از موارد خودشان در مورد رفتارهای خود به تفکر پرداخته و به راه حل های مناسب دست پیدا کنند. بنابراین از یک سری قوانین و رفتارهای ساده شروع کردم که عبارت بودند از:
- استفاده از واژه ها و الفاظ محترمانه در برخورد با یکدیگر، معلمان و والدین مثل: شما، متشکرم، خواهش می کنم، لطفاً، بله و ...
- در صحبت کردن با یکدیگر احترام را کاملاً حفظ کرده و از به کار بردن کلمات زشت و نامناسب و القاب ناروا حتی در هنگام شوخی با یکدیگر نیز استفاده نکنند.
- از جنگ و جدل و پرخاشگری و با صدای بلند خندیدن در کلاس درس و حیاط آموزشگاه خودداری نمایند.
- به مراسمات و مناسبت های مذهبی و ملی احترام گذاشته و مناسب با هر کدام رفتار کنند.
- توجه به رعایت نظم و ترتیب و اطاعت از قوانین مدرسه مثل: اجازه گرفتن، بلند شدن در جلوی معلم و ...
- عدم برهم زدن نظم کلاس در هنگام تدریس درس. برای اینکه دانش آموزان به خوبی از این قوانین اطاعت کنند، تعدادی کارت تشویق تهیه کردم و به کسانی که این قوانین را به خوبی رعایت می کردند کارت اخلاق می دادم و با هم قرار گذاشتیم که در پایان سال هر کس تعداد بیشتری از این کارت ها را داشته باشد به عنوان الگوی اخلاقی کلاس ها معرفی می کنم. و برای ایجاد انگیزه بیشتر اعلام کردم به ۵ نفر هم جایزه های نفیسی تعلق می گیرد. برای جلب توجه بیشتر با کمک دانش آموزان قوانین را روی یک مقوای بزرگ نوشته و در جایی از کلاسها که در معرض دید دانش آموزان بود روی دیوار چسباندیم. در اجرای این راه حل سایر دبیران نیز با من همکاری کردند.
- ۷- تشویق از دانش آموزانی که همکاری خوبی در اجرای پروژه داشتند:
 در هنگام اجرای طرح و از ابتدای آن بیشتر دانش آموزان همکاری خوبی داشتند و سعی در تغییر رفتارهای خود می کردند. به طوری که تغییرات از همان ابتدا در بعضی ها کاملاً نمود داشت. من نیز سعی کردم تا رضایتم را نشان دهم و با رفتارهای خود موجب ایجاد انگیزه و تداوم رفتارها باشم. گاهی اوقات با گفتن کلمات و جملات ساده مثل یک آفرین و یا یک لبخند، تعریف از ایشان در کلاس های دیگر، سرصف، در حضور دبیران دیگر و ... و گاهی با اهدای کارت و خرید جایزه و لوح تقدیر و ... در تمام مدت سعی می کردم رفتارهای مثبت را در دانش آموزان تشدید کنم.



شواهد (۲) توصیف وضع مطلوب

فعالیت های آموزشی کلاس درس می توانند منبع مناسبی برای یافتن مسائل و مشکلات دانش آموزان و نیز چگونگی پیشرفت تحصیلی آنان باشد. معلم با ارزیابی دقیق این فعالیت ها، امکان ارائه بازخورد ضعف ها و قوت ها را برای خود و دانش آموزان فراهم می آورد. سنجش روزانه کلاس یکی از مولفه های بسیار اساسی برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این زمینه است. در این نوع سنجش فعالیت های بسیار دانش آموزان به طور مداوم مورد ارزیابی و تحلیل معلم قرار می گیرند تا نتایج حاصل از آنها وضعیت دانش آموزان برای اقدامات بعدی آموزشی روشن سازد. این فعالیت ها به صورت های گوناگونی قابل سنجش هستند. در طی اجرای طرح و به خصوص در اواخر اسفند ماه تغییرات در بین دانش آموزان کاملاً نمود آشکار پیدا کرده بود. رفتارها خوب دانش آموزانی این کلاس در محیط کوچک آموزشگاه، تاثیر مثبتی روی رفتار در کلاس های دیگر گذاشته بود. دانش آموزان از لحاظ اخلاق و رفتار، آنقدر تغییرات مثبت داشتند که موجب تعجب تعدادی از همکاران که مدت حضورشان در مدرسه کم تر بود، شده بود. طرز صحبت کردن، احترام به یکدیگر، همکاری در کارها، رعایت نظم و ... در بین آنها کاملاً مشهود بود. در برگزاری مراسمات فعالیت ایشان بسیار چشمگیر بود. پاسخنانه هایی را تدارک دیدم و در اختیار دانش آموزان قرار دادم و نظرات آنها را جویا شدم. بعد از جمع بندی کاملاً مشخص بود که ایشان از اجرای طرح کاملاً رضایت دارند و آن را موجب تغییرات مثبت در رفتار خودشان می دانند. مدیریت آموزشگاه و همکاران و والدین نیز همگی رای مثبت به تغییر رفتار در دانش آموزان را داشتند.

با استخراج نتایج پرسشنامه ای که به دانش آموزان داده شد مشاهده شد:

۱. صفت سستی در نماز، غیبت، دروغگویی، عدم رعایت حجاب و پروا از نامحرم با کاهش چشمگیری رو به رو شده است و اکثر دانش آموزان به اطلاعات زیادی در مورد گناهان و عواقب آنها دست یافته اند.
۲. دانش آموزان با ظاهری محببه تر از گذشته در آموزشگاه و خارج از آن حضور پیدا می کردند.
۳. استقبال دانش آموزان از نماز جماعت بیشتر شد و علاقمندی آنان به کلاس های پرورشی افزایش یافت.
۴. والدین از پیشرفت اخلاقیات فرزندان خود پس از اجرای طرح بسیار راضی بودند.
۵. دانش آموزان ابراز می کردند که از این بسیار خوشحالند و احساس می کنند به خدا نزدیک تر شده اند.
۶. خاطرات دانش آموزان از زمان ترک گناه که تحویل اینجانب شد.

ارزیابی نهایی و اعتبار سنجی

در یک کلاس درس، به درک معلم از دلیل رفتار دانش آموزان و دادن پاسخ مناسب به ایشان، همدلی گفته می شود که با وجود آن، شانس موفقیت وی در ایجاد یک فضای صمیمی تاثیر گذار بیشتر است. محیطی همراه با همدلی، این امکان را فراهم می کند که دلایل واقعی اعمال افراد آشکار شود. معلم باید خود را علاقه مند، مراقب و نگران نشان دهد، لازم نیست که او با دلایل و یا توجیه دانش آموز برای رفتار نامناسب خود، موافقت کند. بلکه کافی است با او همدلی کند تا دلیل واقعی عملکرد ضعیف یا غلط او را درک کند. همیشه به یاد داشته و خواهم داشت با همدلی و اعتماد، می توان به احساسات و نگرش هایی پی برد که پشت پیام افراد وجود دارد. همدلی و اعتماد مهم ترین اعتباری بود که من آن را در انجام پروژه خود کسب کردم دیگر راه حل های ارائه شده در کلاس هم، چون کاملاً مطالعه شده انتخاب شده بود نتایج خوبی را کسب کرد. الگو قرار دادن رفتارهای خودم و ایجاد صمیمت با دانش آموزان باعث شده بود که آنها روی من حساب دیگری باز کنند. خیلی وقت ها مشکلات خود را با من در میان می گذاشتند و من آنها را راهنمایی می کردم و در بعضی موارد هم که حل آن در توان من نبود آن را با مدیر آموزشگاه در میان می گذاشتم. آموزه های دینی و قرآن هم روی آنها بسیار تاثیر گذار بود. حضور آنها در نماز جماعت که در ماه های اول



بسیار کم رنگ بود در اواخر اجرای طرح بسیار نمود داشت، من هم از این فرصت برای صحبت کردن با آنها استفاده می کردم. کتابخانه کلاس ها هم دیگر یک جعبه خالی نبود. بلکه تبدیل به کتابخانه سیار شده بود که آوازه آن حتی به مدارس دیگر هم رسیده بود خیلی از دانش آموزان نیز تقریباً تمام کتاب ها را مطالعه کرده بودند. با کمک و همکاری مدیر مدرسه یکی از جلسات شورای دبیران را در اواخر اسفند ماه به بررسی طرح اختصاص دادیم. و بعد از یک نظر سنجی از همکاران و جمع آوری نظرات که خوشبختانه همگی نظر مساعدی داشتند متوجه شدیم که این طرح در بالا رفتن نمرات درسی دانش آموزان نیز تاثیر به سزایی داشته است. چرا که دانش آموزان، با نظم کامل و به دور از سر و صدا و جنگ و جدل در سر کلاس درس تمام توجه خود را به یادگیری معطوف داشته و برای جلب توجه معلمان و گرفتن رضایت از ایشان درس هایشان را خیلی بیشتر از قبل می خوانند. از طرفی با همکاری والدین و حضور مستمر ایشان در آموزشگاه و رعایت نکات مطرح شده در محیط خانه و خانواده، امکانات کاملاً فراهم شده بود به طوری که ایشان بیشتر حواسشان را معطوف به درس خواندن کرده بودند. حفظ آیات و احادیث و جست و جو برای نوشتن حدیث و روایات بر روی تابلوی کلاسها هم باعث ایجاد علاقه و انگیزه ایشان در شرکت در مسابقات فرهنگی مثل قرآن، انشای نماز و نهج البلاغه شده بود که خوشبختانه با پشتکاری که داشتند در بسیاری از این مسابقات رتبه های خیلی خوبی را هم کسب کردند امروز که به روزهای شروع سال تحصیلی فکر می کنم واقعاً خدا را شاکرم چراکه از وضعیت آموزشگاه کاملاً راضی هستم. اثری از کشمکش و تعارض بین دانش آموزان مشاهده نمی شود و به ندرت بر سر مسائل با هم درگیر می شوند. به طور کلی از شروع اجرای طرح تا پایان آن مراحل زیر را در آموزشگاه و خارج از آن به اجرا در آوردم که عبارتند از:

- ۱- شناسایی مشکل و عوامل به وجود آورنده مشکلات اخلاقی و تربیتی بین دانش آموزان .
- ۲- گردآوری اطلاعات از منابع متعدد از جمله خود دانش آموزان و والدین ایشان.
- ۳- انتخاب کلاس مورد نظر و تجزیه و تحلیل عوامل و شناسایی عوامل تاثیر گذار.
- ۴- انتخاب تعدادی از روش ها با کمک مدیر، و دیگر همکاران و اجرای آنها در کلاس درس و خارج از آن.
- ۵- تشویق دانش آموزان جهت شرکت در نماز جماعت و تمسک به آموزه های دینی و احادیث.
- ۶- تشویق و ترغیب دانش آموزان جهت همکاری و ایجاد انگیزه برای تغییر رفتارهای مثبت.
- ۷- ایجاد تغییرات مثبت در رفتارهای دانش آموزان و به طبع وضعیت تحصیلی ایشان.

نتیجه گیری

دین، نوعی زندگی است و تربیت دینی، فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات مهیا می سازد . این نحوه زندگی، بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده ای شکل می گیرد که از طریق دین و عقاید و شریعت به آدمی عرضه شده است.

ما اغلب اوقات درباره اینکه معلمان و معاونان کارآمد و برجسته، چگونه مهارت های خود را به دست می آورند ، فکر نمی کنیم. آنها غیر از مهارت هایی که در تدریس دارند ، از صفات فراوان دیگری نیز برخوردارند. آنها درباره دانش آموزان خود اطلاعات زیادی دارند ، از کار با آنها لذت می برند و به آنان عشق می ورزند. بر اساس تحقیقات ، معلمان خوب قادرند قدرت تفکر دانش آموزان را پرورش دهند ، رشد آنان را آسان سازند ، و خود را با شرایط متغیر تطبیق دهند. به شخصیت دانش آموزان احترام می گذارند و درک خوبی از وضعیت روحی ، عاطفی و خانوادگی آنان دارند. زیرا مهارت کلی شناختی دانش آموز ، تحت تاثیر وضعیت روحی ، عاطفی و خانوادگی قرار دارد. می توانند از آغاز رابطه خوبی با دانش آموزان خود برقرار سازند. آنها با آزادی و به آسانی برخورد می کنند ، مهارت های لازم را برای ارتقای انگیزه دانش آموزان دارند من نیز تا پایان اجرای پروژه تمام سعی خود را بر آن داشتم که به شخصیت دانش آموزانم احترام بگذارم و درک درستی



از وضعیت روحی، عاطفی و خانوادگی ایشان داشته باشیم. در پایان به نتایجی به شرح زیر دست یافتیم: ۱- برقراری ارتباط صمیمانه با دانش آموزان و جلب اعتماد ایشان در حل مسائل. ۲- تغییر رفتارهای مثبت دانش آموزان. ۳- تغییر رفتارهای مثبت دانش آموزان در محیط بیرون از مدرسه و در محیط خانه و خانواده. ۴- توجه ویژه به خواندن قرآن و نماز به خصوص نماز جماعت. ۵- علاقه به خواندن کتاب و استفاده از کتابهای مفید و آموزنده و تاثیر متقابل آن در رفتارهای ایشان. ۶- کسب رتبه در مسابقات فرهنگی - هنری و برگزاری اعیاد و مراسمات مذهبی در محیط آموزشگاه. ۷- حضور مستمر والدین در محیط آموزشگاه و توجه بیشتر ایشان به مسائل درسی و تربیتی فرزندشان. ۸- برقراری نظم در کلاس های درس خودم و محیط آموزشگاه. ۹- افزایش سطح نمرات درسی دانش آموزان در امتحانات مستمر و پایانی .

با همکاری همکاران و با اتخاذ شیوه های کارآمد و مناسب توانستم مشکل دانش آموزان مورد نظر را شناسایی و تا حدودی کنترل و برطرف کنم که این امر موجب خرسندی بنده ، پرسنل مدرسه ، دانش آموزان و والدین شان شد و امیدوارم موثر الیوم واقع شود .

پیشنهادهات

پیشنهادهاتی به معلم در تربیت دینی

همان گونه که قبلا بیان شد، در تربیت دینی به دنبال سه چیز هستیم: دانش آموزان معارف دینی را درست و مستدل یاد بگیرند، فراگرفته های ذهنی شان تبدیل به باورهای قلبی شوند و در اخیر هم رفتار و کردارشان در تمام زمینه ها در چارچوب این معارف باشند. به عبارت دیگر تربیت دینی یعنی شناخت، ایمان و عمل. معلم در هر سه محور نقش های مهمی می تواند ایفا کند. اینک هر کدام را به اجمال بررسی می کنیم. (قادری ، ۱۳۹۴)

۱. نقش معلم در شناسایی معارف دین

معلم به جهت اینکه مستعدترین افراد به لحاظ ذهنی و پاک ترین آنها به لحاظ قلبی و روحی و عاطفی را در اختیار دارد؛ و همچنین به دلیل اینکه بیشترین وقت دانش آموزان را در اختیار دارد و مهمتر از همه عهده دار آموزش و تعلیم آنان است؛ می تواند نقش بسیار ممتازی در تربیت دینی آنها ایفا نماید. او می تواند از فرصت های متعددی که در حین درس دادن برایش فراهم می شود، استفاده کرده عقاید اسلامی را درست تبیین و باورهای نادرست و خرافاتی را که در اذهان دانش آموزان از طریق خانواده، یا محیط بیرون نقش بسته، از اعتقادات اسلامی جدا کند.

شهید مطهری در این مورد می گوید: «افرادی مانند من که با پرسش های مردم درباره ی مسائل مذهبی مواجه هستیم، کاملا این حقیقت را درک می کنیم که بسیاری از افراد تحت تلقینات پدران و مادران جاهل و مبلغان بی سواد افکار غلطی در زمینه ی مسائل مذهبی در ذهن شان رسوخ کرده است و همان افکار غلط اثر سوء بخشیده و آنها را درباره ی حقیقت دین و مذهب دچار تردید و احيانا انکار کرده است؛ ازاین رو، کوشش فراوانی لازم است صورت بگیرد که اصول مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود». از نظر ایشان، گرچه اسلام دینی حیات بخش است؛ اما آموزش گزاره های مبتنی بر شناخت نادرست از دین، این خاصیت را از آن گرفته و اسلام را به عاملی برای سکون و عدم تحرک و بی خبری تبدیل کرده است.

کودکان به خاطر حس کنجکاوی پرسش های فراوانی راجع به مسائل مختلف از جمله مسائل دینی دارند که ممکن است به پاسخ قانع کننده ای دست نیافته باشند و یا با پاسخ های غلطی که از والدین و یا کسانی دیگر دریافت کرده اند، عقایدی نادرستی پیدا کرده باشند.

۲. نقش معلم در ایمان آفرینی

بعد از اینکه معلم موفق شد به دانش آموزان شناخت درستی نسبت به معارف دینی بدهد، نوبت تبدیل این شناخت های ذهنی به باورهای قلبی فرا می رسد. در این مرحله معلم باید با شناسایی دقیق موانع ایمان از یکطرف و درک روحیه دانش آموزان از سوی دیگر، تدبیرهایی را برای از میان برداشتن آن موانع بیندیشد و زیرکانه و ماهرانه آنها را اجرایی نماید. این قسمت از کار بسیار مشکل است و معلمان می توانند از روش پیامبران و امامان برای موفقیت نسبی در این وظیفه ی



سنگین و خطیر، و همچنین برای درک بهتر روحیات دانش‌آموزان از دستاوردهای روان‌شناسان، کمک بگیرند. به طور مشخص اقدامات زیر می‌توانند برای ایمان‌آفرینی خیلی مؤثر باشند: (فرجی، ۱۳۸۶)

۱. تقویت روحیه‌ی حق‌گرایی (بیدار کردن فطرت الهی): انسان فطرتاً حق‌گراست و لذا قرآن کریم پذیرش دین را لازمه‌ی حق‌گرایی می‌داند: «حق‌گرایانه به دین رو آور که مقتضای فطرت الهی است که خداوند مردم را بر آن آفریده و در آفرینش خدا هیچ تغییری راه ندارد» (روم، ۳۰). این فطرت حق‌گرایانه‌ای که در انسان وجود دارد، گاهی نیازمند به فعلیت رساندن است، مانند فطرت انسان در دوره‌ی کودکی و نوجوانی و احیاناً جوانی؛ گاهی نیازمند احیاء مجدد. دومی در مورد انسان‌هایی صادق است که بر اثر برخی عوامل منفی مانند وسوسه‌های شیطانی فطرت‌شان زیر انبوهی از گناهان مدفون شده است.

معلمان مکاتب با افرادی سروکار دارند که فطرت‌شان پاک است، منتهی به مرحله‌ی فعلیت نرسیده است. این افراد چون تا هنوز فطرت‌شان تحت تأثیر عوامل منفی قرار نگرفته یا کمتر قرار گرفته، برای پذیرش حق خیلی مستعدتر از افراد میانسال و بزرگسال هستند. معلمان می‌توانند با بیدار کردن این فطرت‌های پاک و مستعد و به فعلیت رساندن آنها ایمان‌آفرینی کنند.

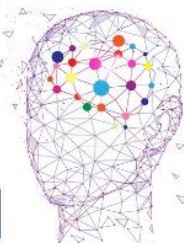
اینکه چگونه می‌شود فطرت این افراد را بیدار و به مرحله فعلیت رساند، به نظر می‌رسد بهترین روش آن است که خداوند در قرآن کریم به کار برده است. خداوند در قرآن برای تقویت روحیه حق‌گرایی و جلوگیری از تأثیر عوامل منفی، انسان‌ها را از ماهیت روحیه‌ی حق‌گرایی و چگونگی تأثیرپذیری آن از شرایط بیرونی آگاه کرده است. این آگاهی از یک سو، باعث می‌شود خود انسان در برابر عوامل منفی، اعم از درونی و بیرونی، موضع‌گیری کند و مانع تأثیر آنها شود. از سوی دیگر، باعث می‌شود انسان در ارزیابی اعمال و رفتار خود به این موضوع توجه بیشتری نماید.

همچنین روش انبیاء به ویژه رفتار پیامبر بزرگوار اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) می‌تواند به معلمان در بیدار کردن فطرت کمک نماید، چون اینها مؤثرترین روششان برای هدایت، بیدار کردن و احیاء مجدد فطرت‌ها بوده است.

۲. تقویت قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل: یکی از مشکلاتی که بر سر راه کار معلمان در امر تربیت دینی دانش‌آموزان وجود دارد این است که ممکن است، دانش‌آموزان در تعارض میان گفته‌های معلم و آنچه که در محیط بیرون از مدرسه به آنها القا می‌شود، گرفتار شود. در این وضعیت اگر دانش‌آموز قدرت تحلیل و تفکر داشته باشد، به راحتی می‌تواند مسأله را تجزیه و تحلیل کند و حق را از باطل براساس آموخته‌هایش تشخیص دهد. اما اگر فاقد چنین قدرتی باشد، این امکان وجود دارد که تسلیم گفته‌های دیگران شود. این دیگران می‌توانند خانواده و بستگان او یا شبهه افکنان و مخالفان دین باشند و یا رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعات. نمونه‌ی این را در قرآن داریم: «روزی که چهره هایشان را در آتش زیرورو می‌کنند، می‌گویند: ای کاش از خدا و پیامبر پیروی کرده بودیم و می‌گویند: پروردگارا! بزرگان و سروران خویش را پیروی کردیم و گمراهمان کردند. پروردگارا! آنان را دوچندان عذاب ده و لعنتشان کن لعنت بزرگ» (احزاب، ۶۸-۶۶). «هرگاه به آنان گفته می‌شد از آنچه خداوند فرو فرستاده پیروی کنید، می‌گفتند: نه، از سنت‌های پدرانمان پیروی می‌کنیم؛ آیا حتی اگر پدرانمان تعقل نمی‌کردند و بر هدایت نبودند (باز از آنها پیروی می‌کردند)» (بقره، ۱۲۰). اگر این افراد قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل داشتند، از بزرگان‌شان پیروی کورکورانه نمی‌کردند تا دچار بدبختی شوند.

تحقیقات جدید نیز نشان داده یکی از عوامل مؤثر در همرنگی فرد با اکثریت علاقه‌ی فرد به درست رفتار کردن است. از آنجا که معمولاً جمع و اکثریت آگاهی‌های بیشتری دارند، افراد می‌کوشند خود را با جمع هماهنگ کنند؛ از این رو، هرچه میزان اعتماد فرد به درستی اطلاعات، نظریات و رفتارهای جمع بیشتر باشد، خود را بیشتر با آنها هماهنگ می‌کند و این هماهنگی تنها در سطح رفتار باقی نمی‌ماند، بلکه به باورها نیز سرایت می‌کند.

این مطلب در مورد پیروی مردم از افراد و طبقات متنفذ جامعه نیز صادق است؛ از آنجا که این افراد در زمینه‌هایی خاص از زندگی، موفقیت را در آغوش گرفته و مقام و موقعیت اقتصادی و اجتماعی ممتازی به دست آورده‌اند، دیگران می‌پندارند همه‌ی بینش‌ها، نگرش‌ها، باورها و رفتارهای آنان درست است؛ از این رو، می‌کوشند در تمام زمینه‌ها از آنان پیروی کنند.



بنابراین، در اینگونه موارد قدرت تعقل و تفکراست که به کمک افراد می‌آید و گر نه احتمال لغزش خیلی بالا می‌رود. شاید به همین دلیل است که قرآن مردم را دعوت به تعقل و تدبر و تفکرمی‌کند (بقره، ۴۴، ۷۳، ۷۶، ۲۴۲؛ آل عمران، ۶۵، ۱۱۸؛ و ...).

۳. مقبولیت و اعتبار معلم: معلم سعی کند با رفتار درست و مطابق گفتار، اعتبار خود را نزد دانش‌آموزان بالا ببرد. اگر دانش‌آموز معلم را به عنوان یک شخصیت معتبر و مورد احترام بپذیرد، سعی می‌کند که گفته‌های او را خوب گوش بدهد و بپذیرد و در رفتار و کردار خود عملی کند و حتی رفتار معلم را الگوی رفتار خویش قرار دهد. بدیهی است که عکس این مطلب نتیجه‌ی عکس خواهد داد. بهترین راه کسب اعتبار برای معلم، همان راهی است که معلمان بزرگی مانند پیامبران الهی و پیشوایان دین از آن استفاده می‌کردند، یعنی عمل به گفته‌های خود یا پیروی از اصل کردار مطابق گفتار. از امام علی(ع) روایت شده: «کسی که خود را در جایگاه راهنما و معلم دیگران قرار می‌دهد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود پردازد و در مقام تربیت دیگران، پیش از تربیت به زبان به تربیت با عمل همت گمارد.

۴. محبوبیت معلم: یافته‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد که «هرچه مخاطبان نگاه مثبت‌تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند و احتمال بیشتری دارد که نگرش خود را مطابق نظر گوینده تغییر دهند». هم‌چنین روان‌شناسان در تبیین رابطه‌ی میان محبوبیت و تأثیرگذاری می‌گویند: «از آنجا که انسان‌ها تلاش می‌کنند شناخت‌هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد برحسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند، تغییر می‌دهند.» (موسوی، ۱۳۹۱)

معلم می‌تواند با دین‌داری، گشاده رویی و خوشرویی، خلق نیکو، تواضع و احترام به دانش‌آموزان، زهد و بی‌رغبتی به دنیا و آراستگی و زیبایی ظاهری محبوبیت خود را نزد دانش‌آموزان افزایش دهد. معلم نباید هیچ وقت دانش‌آموز را مورد تحقیر و توهین قرار دهد، زیرا هر انسانی تمایل ذاتی به کسب احترام و ارزش و قبول از طرف دیگران دارد. تحقیر کودک از سوی معلم ممکن است کودک را فراری بدهد و نفرتی در دل او نسبت به معلم ایجاد کند به گونه‌ای که گفتار و کردار معلم برای او قابل قبول نباشد. خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که با مردم مهربانانه برخورد کن تا از تو فراری نشوند. «به سبب رحمت خداست که تو با آنها اینچنین خوش خوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس بر آنها ببخشای و برایشان آموزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن، که خدا توکل کنندگان را دوست دارد» (آل عمران، ۱۵۹). معلم باید حتی الامکان از تنبیه و برخورد تند و خشونت آمیز با دانش‌آموز اجتناب ورزد، زیرا روان‌شناسی جدید بر این عقیده است که نوجوان در رشد و تکامل اجتماعی خود، از چگونگی ارتباط و علاقه‌اش نسبت به معلمان و میزان نفرت یا محبت خود به آنها متأثر می‌شود. این ارتباط‌ها به اشکال و رنگ‌های گوناگون در می‌آیند که اساسشان به شخصیت معلم، میزان ایمانش به شغل خود، مقدار فهمش نسبت به مرحله نوجوانی و طرق رعایت و حل مشکلات آن بستگی دارد. چنانکه معلم مسلطی که با امر و نهی، تهدید و تعقیب و آزار و شکنجه بر کلاس حکم می‌کند دانش‌آموزان را از خود دور می‌کند، میان خود و آنها جدایی می‌اندازد و در نتیجه، به هیچ وجه مورد محبت آنان واقع نمی‌شود. بر عکس، معلم دادگستری که همواره با دانش‌آموزان خود همکار و دوست صمیمی است و هنگام استمداد از او، هرگز به سرزنش آنان نمی‌پردازد، محبت و اعتماد آنها را به خود جلب می‌کند.

محبوبیت معلم دو کارکرد مهم دارد: نخست آنکه به معلم امکان می‌دهد در لایه‌های درونی شخصیت دانش‌آموزان نفوذ کند، و دوم آنکه تأثیرگذاری تربیتی معلم را آسان می‌نماید. تحقیقاتی که در مورد میزان علاقه‌ی دانش‌آموزان به درس دینی انجام شده نشان می‌دهد که میزان علاقه‌ی دانش‌آموزان به دبیر دینی رابطه‌ی مستقیم و مثبتی با میزان علاقه آنان به این درس دارد. (فرجی، ۱۳۸۶)

۵. انتخاب شیوه‌ی مناسب در بیان آموزه‌های دینی: معلم باید سعی کند آموزه‌های دینی را ساده، رسا و جذاب برای دانش‌آموزان بیان کند به گونه‌ای که اولاً آنها بفهمند که معلم چه می‌گوید و ثانیاً از شنیدن آن احساس خستگی نکنند. اگر معلم مثلاً در خداشناسی تنها به بیان دلایل فلسفی اثبات وجود خدا و صفاتی مانند توحید و قدرت خدا پردازد، یقیناً خسته کننده خواهد بود و دانش‌آموزان شاید برای گرفتن نمره، این دلایل را در حافظه‌ی ذهن‌شان بسپارند ولی این سپرده‌ها هیچ وقت تبدیل به ایمان و اعتقاد قلبی نمی‌شود، چون از روی میل و رغبت و شوق کسب نشده‌اند. معلم باید استدلال‌های فلسفی را در قالب مثال‌های ساده و



همه کس فهم طوری بیان کند که متعلم همانجا نه تنها کاملاً تفهیم شود، بلکه پایه‌های اعتقادی‌اش نسبت به آن موضوع نیز شکل بگیرد. هم‌چنین معلم باید از مطرح کردن مباحث پیچیده و دور از فهم دانش‌آموز اجتناب ورزد. در این مورد نیز مطالعه سیره‌ی انبیاء و معصومان می‌تواند برای معلمان راهگشا باشد.

۶. پاسخ مناسب به پرسش‌ها و شبهه‌ها: گاهی برای دانش‌آموزان پرسش‌ها و شبهه‌هایی مطرح می‌شوند و یا کسانی دیگر در ذهن آنان شبهه ایجاد می‌کنند، معلم باید اولاً این فضا را ایجاد کند که دانش‌آموزان به راحتی بتوانند سئوال‌اتشان را مطرح کنند و ثانیاً پاسخ مناسب بدهد. پاسخ مناسب از دو حال خارج نیست: یا معلم جواب آن پرسش را می‌داند، در این صورت باید با متانت و بردباری پاسخ دهد؛ یا نمی‌داند که در این صورت باید این شهامت را داشته باشد که صراحتاً بگوید نمی‌دانم و سعی می‌کنم با مطالعه یا پرسیدن از دیگران بیابم و برای شما بیان کنم.

پیشنهادهای به والدین در تربیت دینی فرزندان

رسالت پدر و مادر تربیت فرزند به خصوص در زمینه دینی است که برای دستیابی به این آرمان و آرزو باید مراحل تربیت دینی که در ۵ بخش خلاصه می‌شود، طی کنند :

۱ - انس دینی ۲ - عادت دینی ۳ - معرفت دینی ۴ - شاکله دینی ۵ - خود جوشی دینی بسیار دیده شده است که وقتی مادر می‌خواهد نماز بخواند، بچه‌ها را تهدید می‌کند سر و صدا نکنند از آن طرف هم وقتی پدر می‌خواهد قرآن بخواند باز بچه‌ها را وادار به سکوت می‌کند اینها همه موج منفی نسبت به دین است . گرایش به دین زمانی اتفاق می‌افتد که برای شخصیت کودک ارزش قائل شد و این هنگامی است که کودک به محض آنکه به محیط مسجد قدم می‌گذارد همه برای او حریم باز کنند و دست محبت بر سرش بکشند.

دومین مرحله عادت دینی است . بچه‌ها قبل از بلوغ در دورانی هستند که دارای دو ویژگی است :

۱ - دارای آرامش است ۲ - دوران تاثیر پذیری است . این دوره اهمیت بسیار دارد زیرا عادت در این دوره به وجود می‌آید . همیشه این تصور وجود داشته که تحمیل کردن درست نیست اما تحمیل بعضی چیزها به بچه‌ها خوب است و آن زمانی است که بچه اعتماد دارد اما تنبلی و سهل انگاری مانع می‌شود . اگر کودک دین را پذیرفت و نسبت به آن گرایش قلبی داشت آن وقت تحمیل ملایم اعمال و برنامه‌های دینی برای او مفید خواهد بود .

مرحله سوم معرفت دینی است . در مرحله معرفت دینی است که باید تلفیق دین و دانش را برای بچه‌ها مطرح کرد تا بچه‌ها فکر نکنند که دین راه خود و دانش هم راه خود را می‌رود در حالیکه این دو در کنار هم و باهمند . در مرحله انس دینی حالت تلقین ، در مرحله عادت دینی حالت تقلید و در مرحله معرفت دینی حالت الگو پذیری حکمفرماست. مرحله چهارم ، شاکله دینی است ، اگر کسی معرفت دینی پیدا کرد ، دین وارد زندگی او شد موجب می‌گردد که بینش نیز بینش دینی گردد. در نتیجه به همه چیز با عینک دین نگاه کرده و تلاش می‌کند در تمامی ابعاد زندگی‌اش دین را عملی سازد. مرحله پنجم مرحله خود جوشی است . در این مرحله فرد دیگر تاب و قرار ندارد و نمی‌خواهد لحظه‌ای از وقتش را به بطالت و بیهودگی بگذراند.

پدر و مادر باید به استعداد و توانایی فرزند در فراگیری دروس توجه کنند

ظرفیت کودکان و نوجوانان برای یادگیری دروس یکسان نیست . بین بچه‌ها تفاوت‌های فردی و تنوع در گرایش‌ها و علاقه‌ها یافت می‌شود. از فرزندان خود باید متناسب با استعداد و گرایش و علاقه آنان انتظار داشت و با راهنمایی و تشویق و کمک در جهت افزایش سطح معلومات آنان اقدام کرد. برخی از اولیاء تصور می‌کنند فرزندان آنان همیشه باید نمره بیست و مدارج عالی بدست آورند و اگر گاهی نمره مطلوب را کسب نکردند آنان را ملامت و سرزنش می‌کنند و موجبات اضطراب و رنجش خاطر آنان را فراهم می‌کنند . اگر کودکان را به خاطر نیاوردن نمره عالی توبیخ کنیم آنان برای آنکه خود را با سطح توقع بالای ما تطبیق دهند با ترس و نگرانی سعی می‌کنند این نمره را کسب کنند و اگر موفق نشدند از پنهان کاری استفاده می‌کنند و واقعیت را از والدین می‌پوشانند . در عین



حال نوعی آرمان خواهی کاذب در آنان ایجاد می شود و عادت می کنند همیشه خود را در قله و اوج موفقیت بچینند و لذا قادر به حرکت طبیعی در فراز و نشیب های زندگی نمی باشند و وضعیت روانی و تعادل آنان دچار اختلال می گردد.

پدر و مادر باید برای تعلیم و تربیت فرزندان خود طرح و برنامه داشته باشند

خانواده نهادی است که برای انجام هدفهای معینی به وجود می آید یکی از هدفهای مهم این نهاد فرزند آوری و فرزند پروری است . برای آنکه پدر و مادر توفیق پرورش فرزندی صالح با آینده ای روشن را داشته باشند باید :

با موازین تعلیم و تربیت اسلامی و علوم تربیتی آشنا شوند.

حتی المقدور از کتابها و مجلات تربیتی استفاده کنند.

در کلاس آموزش خانواده شرکت کنند و شناخت تربیتی بدست آورند.

از تجربیات مادران و پدرانی که توانسته اند فرزندان شایسته به جامعه تحویل دهند بهره بگیرند .

وقتی قرار است والدین اهداف تربیتی مشخصی داشته باشند و بدانند که فرزندان خود را می خواهند برای چه امری تربیت کنند و برای رسیدن به این اهداف چه ابزار و روشهایی را باید به کار گیرند ، مجموعه این تدابیر طرح و برنامه ای است که از آن به عنوان منشور تربیتی می توان یاد کرد . پدر و مادری که به بهانه های مختلف به پرورش فرزندان نمی اندیشند و از خواندن کتاب تربیتی یا مراجعه به مشاور و افراد آگاه و بهره گیری از تجارب دیگران سرباز می زنند نباید از آینده فرزندان شان انتظار معجزه داشته باشند.

توجه پدر و مادر به نیازهای روانی فرزندان خود

کودکان و نوجوانان نیازهای روانی متعددی دارند ، امنیت خاطر ، فراغت از ترس و دغدغه خاطر ، نیاز به محبت ، نیاز به تعلق خاطر و پیوستن به یک جمع ، نیاز به برخورداری از یک جایگاه مناسب اقتصادی و اجتماعی و نیاز به موفقیت و پیروزی و نیاز به خوش نامی و سربلندی ، نیاز به پذیرش و مقبولیت و احساس ارزشمندی در جامعه و نیاز به سلامت بدن و روان از جمله نیازهای مشترک همگان به حساب می آیند و طبعاً فرزندان این نیازها را دارند و باید در محیط خانه در جهت تأمین آنها برنامه ریزی شود . افزون بر این موارد ، نوجوانان به اقتضای خصوصیات جسمی و روانی این سنین نیازهای متنوعی دارند که عنایت به آنها باید در برنامه کار اولیاء باشد. برخی از این نیازها عبارتند از :

۱ - شناخت و کسب مهارت در بعضی از آنها.

۲ - درک ارزش های خویش

۳ - حرکت به سوی استقلال شخصیتی و اقتصادی

۴ - شناخت دین ، تاریخ ، فرهنگ و افتخارات ملی

۵ - دستیابی به صفات عالیله اخلاقی ، عبادت و ارتباط با خدا

۶ - گسترش مناسبات و پیوندهای اجتماعی ، مهارتهای اجتماعی و روش زندگی با جمع روش دوست یابی ، مسئولیت پذیری و ایفای نقش های اجتماعی

۷ - روش داد و ستد با دیگران و ایفای نقش های اجتماعی



اینها همه نیازهای روانی فرزندان نیستند بلکه مهمترین و اساسی ترین آنها می باشد. والدین وظیفه دارند بطور مستمر و با نهایت دقت و مراقبت تدابیر لازم را برای ارضای نیازهای سالم و دارای اولویت فرزندان خود اتخاذ کنند و با هدایت و تربیت صحیح از انحراف این نیازها در ارضاء و پیدایش مشکلات روانی ، شخصیتی و اخلاقی آنان جلوگیری نمایند.

منابع و مأخذ

- فلاحي، محمدرضا ؛ جعفری، علی (۱۳۸۹). تربیت دینی و تفکر انتقادی در مدارس. تهران: نشر سمت.
- موسوی ، محمدتقی (۱۳۹۱). مبانی تربیت دینی و اخلاقی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- قادری ، علی (۱۳۹۴). تربیت دینی و اخلاقی در مدارس راهنمایی. تهران: نشر پیام نور.
- محمدی، محمدرضا ؛ حقیقی، رضا (۱۳۹۵). راهنمای تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان. تهران: نشر سمت.
- فرجی ، علی (۱۳۸۶). رهنمودهای تربیت دینی و اخلاقی در مدارس . تهران: نشر پیام نور.
- قرآن کریم .